



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

الگوی معماری اسلامی - ایرانی رهیافتی برای سکونت گاه های غیر رسمی کلان شهر مشهد

غزاله عبدالکریم زاده

گروه مهندسی معماری، دانشگاه فنی مهندسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی سمنان، ایران

## چکیده

این حقیقت را باید پذیرفت که حدود یک ششم از جمعیت جهان در مناطق حاشیه‌ای و زاغ‌های شهرهای جهان زندگی می‌کنند توجه کافی به جایگاه حاشیه نشینی شهرها در یک فضای جغرافیایی و سامان‌دهی آنها در برنامه‌های محلی، منطقه‌ای و کشوری لازم و ضروری است توسعه و گسترش حاشیه‌نشینی، یا سکونت‌های غیررسمی و غیرقانونی کلان شهرها، در قرن حاضر در اثر توسعه شهرها و گرایش شهرنشینی و صنعتی شدن بوجود آمده است. رشد سریع شهرنشینی کشورهای در حال رشد (جهان سوم) و مهاجرت از روستاها، پدید حاشیه نشینی را وسعت بخشیده است. در مناطق کلان شهرهای جهان، خصوصاً کشورهای جهان سوم، میلیون‌ها نفر از کمترین امکانات خدمات شهری و تسهیلات اجتماعی برخوردارند. کشور ایران، نیز از این قاعده مستثنی نیست و شهرتاریخی و مذهبی مشهد با سابقه‌ای بیش از هزار سال، دومین کانون جمعیتی ایران بشمار می‌رود که در شمال شرق ایران قرار دارد. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که اصولاً رشد سکونتگاه‌های غیررسمی و نامنظم و شکل‌گیری جزیره‌های فقر در مشهد به دلیل حذف اقشار کم درآمد از نظام برنامه‌ریزی کلان و خرد یا لحاظ نکردن آنها به صورت فعال به‌عنوان گروه‌های هدف در سیاست‌گذاری‌هاست. تحقیقات نشانگر این موضوع است که اسکان کم درآمد و ساماندهی و توانمندسازی بافت‌های نابسامان شهری از موضوعات و مسائل مهم توسعه شهری کشور است و تأثیر انکار ناپذیری در تحقق یا عدم تحقق مطلوب طرح‌های توسعه دارند. این تحقیق به دنبال رهیافتی برای نوسازی این سکونت‌گاه‌ها با رویکرد توجه به الگوی معماری ایرانی - اسلامی هم کمی و هم کیفی است. یافته‌ها نشان می‌دهد اگر سیاستگذاران و برنامه‌ریزی فیزیکی و معماران ما در نوسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی به الگوی کارآمد معماری ایرانی اسلامی توجه نمایند، از همه جهات به کیفیت مسکن و کیفیت زندگی شهروندان تأثیر به‌سزایی می‌گذارند.

واژه‌های کلیدی: سکونت‌های غیررسمی، مشهد، معماری ایرانی - اسلامی.

## مقدمه

جریان توسعه شهری در ایران طی ۳۰ سال گذشته باعث شد جمعیت شهرنشین بالغ بر ۲ برابر شود و پیش‌بینی‌ها حکایت از ادامه سریع این رشد دارند. در حال حاضر سرعت رشد شهرها از ظرفیت و قدرت دولتها و شهرداری‌ها در گسترش زیر ساخت‌ها و ارائه خدمات و ایجاد اشتغال پایدار پیشی گرفته است. در نتیجه پدیده اسکان غیررسمی به سرعت و به شکلی بی‌قاعده گسترش یافته است آمارها حکایت از آن دارند که بین ۲۰ تا ۳۰ درصد جمعیت کلانشهرها و حتی بسیاری از شهرهای متوسط در زیستگاه‌های نابسامان در حاشیه شهرها اسکان یافته‌اند که این مناطق جایگاه فقیرترین گروه‌های جمعیت شهری هستند و معمولاً سطح زندگی ساکنان این مناطق پایین‌تر از خط فقر یا حداکثر همسطح آن است. جمعیت ساکن این مناطق که اکثریت شان را مهاجران (روستایی و غیر روستایی) تشکیل می‌دهند به شدت گرفتار بیکاری و فقر فرهنگی هستند. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که اصولاً رشد سکونتگاه‌های غیررسمی و نامنظم و شکل‌گیری



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

جزیره‌های فقر در حاشیه و درون شهرها به دلیل حذف اقشار کم درآمد از نظام برنامه‌ریزی کلان و خرد یا لحاظ نکردن آنها به صورت فعال به‌عنوان گروه‌های هدف در سیاست‌گذاری‌هاست. تحقیقات نشانگر این موضوع است که اسکان کم درآمدی و ساماندهی و توانمندسازی بافت‌های نابسامان شهری از موضوعات و مسائل مهم توسعه شهری کشور است و تاثیر انکار ناپذیری در تحقق یا عدم تحقق مطلوب طرح‌های توسعه دارند.

در واقع اسکان غیررسمی به یکی از چهره‌های بارز فقر شهری و توسعه نیافتگی بدل شده است و با رشدی چند برابرتر از رشد شهرنشینی که درون یا مجاور شهرها به شکل خودرو فاقد مجوزهای رسمی شهرسازی با تجمعی از اقشار کم درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل گرفته است و همچنان به رشد قارچ گونه خود ادامه می‌دهد. در واقع حاشیه نشینی پدیده‌ای است که در طول ۶۰ سال گذشته در شهرهای بزرگ ایران پدیدار شده و خانوارها و افرادی را که در مجاورت شهرها، در شرایط نامطلوبی به سر می‌برند، در بر می‌گیرد. حاشیه نشینی به معنای اعم شامل تمام کسانی است که در محدوده اقتصاد شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهر نشده‌اند. جاذبه‌های شهری و رفاه شهری، این افراد را از زادگاه‌شان کنده و به سوی قطب‌های صنعتی بازار کار می‌کشاند. این‌ها اکثراً مهاجرانی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرهای بزرگ می‌شوند.

جریان مهاجرت جمعیت یکی از پدیده‌های جهانی بشمار می‌رود که بعد از جنگ جهانی دوم در کشورهای توسعه یافته و در حال رشد از جمله در ایران و به ویژه کلانشهرهای آن مانند مشهد اتفاق افتاده و پدیده مهاجرت در ابتدا خیلی طبیعی بوده اما بعد از چند دهه نتایج آن در کشورهای در حال رشد نامطلوب نمایان شد. میلیونها نفر از شهرهای مختلف به مشهد مهاجرت کرده و در آنجا ساکن شده‌اند. و از طبقه کم درآمد جامعه بوده‌اند و هویت بیشتر آنانی که در حاشیه این شهر سکونت کرده‌اند معلوم نیست (پاپلی یزدی، ۱۳۹۱). شهر مشهد دومین کلان شهر ایران در شمال شرق ایران قرار دارد. که علاوه بر مهاجرین داخلی؛ میزبان جمعیت مهاجر، و پناهنده را از کشورهای همجوار خود مانند افغانستان، عراق، پاکستان، بنگلادش در خود پذیرفته است. مسأله زاغه نشینی و کپرنشینی و توسعه آن در این استان برای مسئولین این استان و جمهوری اسلامی ایران، یک مسأله بحرانی و حساسی ایجاد نموده، نتیجتاً دولت جمهوری اسلامی گام‌های موثری را در بهبود بخشیدن به شرایط زندگی و سکونتگاهی آنان برداشته است.

## مبانی نظری

### ویژگی‌های اساسی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر مشهد

سکونتگاه غیررسمی یا غیرقانونی در واقع منطقه‌ای مسکونی است که بدون مطالبه قانونی برای دریافت زمین و مجوز از سوی مقامات ذیربط برای ساختن خانه، شکل گرفته است. سرویس‌ها و خدمات و تسهیلات زیربنایی در این شکل غیرقانونی ساخت و ساز، نامناسب و ناکافی است و کیفیت‌های زندگی در پایین‌ترین سطح قرار دارد. سه ویژگی اساسی که به درک سکونتگاه غیررسمی در مشهد کمک می‌کنند، عبارتند از: ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و قانونی.

#### ۱- ویژگی‌های کالبدی

سکونتگاه‌های غیررسمی، به دلیل همان غیرقانونی بودنشان، دارای سرویس‌ها و خدمات شهری ناکافی و زیرساختی در سطح بسیار پائین‌اند. این سرویس‌ها و تسهیلات زیربنایی عبارتند از: شبکه ارتباطی، منابع آب، سیستم تخلیه فاضلاب، برق، جاده، مدارس، مراکز بهداشت، بازار و... برای مثال، در بسیاری از این محله‌های محروم شهر، آب لوله‌کشی وجود ندارد و ساکنان معمولاً به صورت دستی از آب استفاده می‌کنند. در بعضی موارد نیز ساکنان از شبکه غیررسمی برای تأمین منابع آب، برق، و نظایر اینها استفاده می‌کنند؛ و این شبکه‌های غیررسمی وابستگی چندانی به کانال‌های مجاز و رسمی ندارند. ۱- فرسودگی شدید بناهای موجود در بافت قدیمی: وضعیت کالبدی بناهای بافت‌های قدیمی و کهن، یکی از عوامل



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

تخریب و فرسودگی به شمار می‌رود. نوع مصالح ساختمانی (خشت و گل) در بناهای قدیمی به گونه‌ای است که تعمیر و بازسازی همیشگی این بناها را ایجاب می‌کند. اما عوامل اقتصادی، اجتماعی و حقوقی یاد شده کار مرمت و نگهداری بخش‌های وسیعی از بافت‌های کهن را با دشواری روبرو کرده است.

فرسودگی بنای بافت‌های قدیمی شهری در ایران مانند یک دور بسته است. در مراحل نخستین به دلایل یاد شده و نیز مشکلات دیگری همانند نارسایی شبکه گذرگاهی و خدماتی از جمله مشکل حمل مصالح ساختمانی، مشکلات حقوقی و غیره ساکنان ترجیح می‌دهند خانه خود را به جای بهسازی و نوسازی رها کنند و در سایر بخش‌های شهر سکونت یابند. در مراحل بعدی مکان‌های متروکه به بناهای ترسناک و رعب‌آور تبدیل می‌شود که کاهش امنیت محله‌ها را نیز در پی دارد. این موضوع خود سبب تخلیه بناهای مسکونی و تشدید فرسودگی می‌شود (آقاجانی، ۱۳۹۲).

۲- مشکلات مربوط به شبکه معابر بافت: شبکه معابر بافت قدیمی که با توجه به ساختار محیط طبیعی به ویژه توپوگرافی، اقلیم، اوضاع اقتصادی-اجتماعی و سطح فناوری زمان خود به صورت ارگانیک شکل گرفته‌اند، در زمان خود بهترین نوع معابر و شبکه دسترسی محسوب می‌شده‌اند، به طوری که پاسخگوی همه‌ی نیازهای ساکنان بوده‌اند، اما با دگرگونی نوع و سطح فناوری از جمله ورود وسایل نقلیه موتوری به زندگی شهری، شبکه معابر توان جوابگویی به نیازهای زندگی امروزی را ندارند و مشکلاتی مانند عرض کم، پیچ و خم‌های زیاد و خطر ریزش بناهای مخروبه مجاور و مشکلات دسترسی و ارتباطات دو چندان کرده و اغلب معابر آن دارای عرضی کمتر از ۶ متر می‌باشند که به هیچ وجه مناسب با زندگی شهری امروز نیست.

۳- تراکم و پیوستگی بافت: همجواری بناهای با ارزش بافت با بناهای متروکه و مخروبه آسیب‌های کالبدی به بناهای کهن و ارزشمند وارد می‌آورد.

۴- مسایل ناشی از مصالح به کار رفته و نحوه مرمت بناها: اغلب واحدهای ساختمانی در بافت فرسوده، فاقد سیستم سازه‌ای و هر گونه محاسبات فنی برای مقاومت در برابر زلزله می‌باشند.

۵- مسایل زیست محیطی: به دلیل مشکلات کالبدی، از جمله کم عرض بودن گذرگاه‌ها، فرسودگی و نارسایی تأسیسات و تسهیلات شهری از جمله فاضلاب شهری، عدم جمع‌آوری به موقع و مطلوب زباله، مشکلات زیست محیطی را به وجود آورده، زیرا خودروها در همه معابر بافت نمی‌توانند حرکت کنند. به طوری که در مواردی، تجمع زباله‌های خانگی و در نتیجه وجود جانوران مزاحم در کوچه‌ها و بناهای مخروبه و متروکه که بافت مشاهده شده است. موضوع دیگر، نحوه دفع آب‌های سطحی به هنگام بارندگی است که با توجه به پایین بودن و گود بودن سطح بناهای مسکونی این بافت‌ها نسبت به معابر، مشکلات زیستی زیادی را پدید می‌آورد (افروغ، ۱۳۷۸).

## ۲- ویژگی‌های اجتماعی

اغلب ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی جزء طبقات پائین جامعه‌اند و درآمد چندانی هم ندارند. آنها یا به صورت کارگر روزمرد، و یا در بخش‌های غیررسمی کار می‌کنند و با وجود کار طاقت‌فرسا، حداقل دستمزد را می‌گیرند. گاهی بعضی از خانواده‌ها با کار در شغل‌های نیمه وقت، سطح درآمد بالاتری پیدا می‌کنند. اغلب سکونتگاه‌های غیررسمی را مهاجران (از روستا یا از شهرهای کوچک) تشکیل می‌دهند و بعضی از آنها نیز از نسل دوم و یا سوم سکونتگاه‌های غیررسمی‌اند.

## ۳- ویژگی‌های قانونی

مهمترین ویژگی‌ای که سکونتگاه غیررسمی را از دیگر سکونتگاه‌ها متمایز می‌سازد، این است که ساکنان این سکونتگاه‌ها فاقد مالکیت رسمی زمینی هستند که خانه خود را روی آن ساخته‌اند. این زمین می‌تواند جزء زمین‌های دولتی و عمومی خالی از سکنه باشد و یا جزء قطعات زمین حاشیه شهرها، مانند زمین‌های باتلاقی و نامطلوب. بنابراین زمانی که زمین مولد نیست تا مورد استفاده صاحبان آن قرار گیرد، برای سکونتگاه غیررسمی مناسب می‌نماید. در ایران نکته‌ای به چشم





# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

می‌خورد، و آن اینکه در بسیاری از قسمت‌های کشور، خود مالک زمین، زمین خود را به قیمت بسیار نازل به یک یا چند خانواده به صورت غیرقانونی اجاره می‌دهد یا می‌فروشد؛ گرچه این واگذاری‌ها جنبه و اعتبار قانونی ندارند.

## هویت معماری ایرانی-اسلامی

هویت ایرانی اسلامی مقوله‌ای پویا و در جریان است که بیانگر ویژگی‌های فرهنگی و مشخصات این سرزمین است. دستیابی به معماری باهویت، موضوعی بسیار پراهمیت در معماری معاصر ایران است؛ چرا که حاصل قرن‌ها تجربه معماران و هنرمندان سنتی ایران زمین، بناها و یادگارهایی است که اکنون از آن‌ها با عنوان «معماری اسلامی ایران» یاد می‌نماییم. راه ورود به معماری اسلامی ایران از منزلگاه اعتقاد به اصول ثابت، مفاهیم و آموزه‌هایی می‌گذرد که هرچند زمان زیادی از شکل‌گیری آن‌ها می‌گذرد، همواره در فرآیندی پویا تا روزگار معاصر جاودان مانده‌اند. بنابراین، باززنده‌سازی هویت و آموزه‌های معنوی پنهان در هنر و معماری اسلامی از اساسی‌ترین گام‌ها در این زمینه به‌شمار می‌آید.

در روزگار معاصر بحران هویت و بی‌نظمی چهره شهرها و بناها، ارزش‌های نهفته در تجارت گذشتگان مان را هر روز بیش از پیش نمایان می‌سازد. این بی‌هویتی تا جایی پیش رفته که در روزگار معاصر نمی‌توانیم ارتباطی منطقی با معماری گذشته برقرار نماییم. همچنین زبان طراحی این بناها برای ما غیرقابل درک است و آنچه از عناصر هویت ایرانی در کانون توجه و بازاندیشی قرار می‌گیرد، برخلاف الگوی پیشین اسلام و سنت دینی است (خرمشاد، ۱۳۹۹: ۱۱).

معماری ایرانی اسلامی با نفوذ تدریجی معماری مدرن، وحدت و انسجام پیشین را از دست داد و چهره شهرها به روزشمار تحولات معماری تبدیل گردید؛ گونه‌گونی شکل بناها و هزار چهره بودن شهر از سوی منتقدان به «بی‌هویتی» معماری تعبیر شده است (حجت، ۱۳۹۴: ۵۶).

هویت از مباحث کلان در فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود که در یک محیط زمانی (عصر و دوره حاضر) و مکانی (محدوده جغرافیایی زندگی) شکل می‌گیرد و قوام می‌یابد. از منظر لغوی هویت در فرهنگ دهخدا عبارت است از تشخیص همین معنا میان حکیمان و متکلمان مشهور (دهخدا، ۱۳۹۴: ۳۴۹) در فرهنگ معین هویت به معنای ذات باری تعالی، هستی و آنچه موجب شناسایی شخص بشود (معین، ۱۳۹۱: ۵۲۲۸) معرفی شده است. همچنین لغتنامه آکسفورد از هویت به عنوان کیستی و چیستی شخص یاد می‌کند. منظور از هویت تشخیص و آنچه موجب شناسایی شخص باشد - همچون شخصیت یا کیفیت - که بیانگر ویژگی‌های هر فرد یا پدیده می‌باشد، است. بنابراین، هر فردی، هر اثری و هر بنایی دارای هویتی است. (حجت، ۱۳۹۴: ۵۷) هویت را به انواع مختلف سیاسی، فرهنگی، ملی، قومی، دینی، مذهبی و اجتماعی تقسیم کرده‌اند؛ اما عناصر «فرهنگ»، «دین» و «ملیت» بیش از موارد دیگر در ساخت هویت یک شخص مؤثر هستند. (در این میان با توجه به متون اسلامی و فرهنگی ایرانیان، اصول سازنده شخصیت و هویت یک فرد مسلمان، برگرفته از دین اسلام می‌باشد. این اصول پردازنده رفتار و هنجارهای اجتماعی مسلمان‌هاست که کلیه‌ی امور از جمله هنر و معماری آنان را به سمت و سوی مشخص هدایت نموده است. در عرصه معماری تعلق یا عدم تعلق یک اثر به هویتی جمعی آن را در نگاه مخاطب دارای هویت یا بی‌هویت جلوه می‌دهد. در واقع اثر با هویت اثری است که وابسته به یک هویت پایدار (مذهبی، ملی، نژادی و...) و هنجارهای جمعی باشد. معماری اسلامی از آن روی دارای هویت دانسته می‌شود که مظهر و تجلی اصول پایداری است که معماران را به واسطه‌ی آن، معماری را جهت و شکل می‌دهد؛ اصولی چون وحدت، حکمت، صداقت. مهم‌ترین این اصول نمادگرایی و رمزپردازی است که به معنای ساحتی معنوی دادن به هر چیز و هر شیء مورد نظر هنرمندان مسلمان بوده که برای هر عمل و پدیده‌ای، اصلی آسمانی و معنوی قائل بوده‌اند. معماری اسلامی به عنوان یکی از موفق‌ترین شیوه‌های معماری در تاریخ معماری جهان مطرح است. از لحاظ تاریخی معماری اولین هنری به‌شمار می‌آید که خود را با هویت و مفاهیم اسلامی سازگار نمود و از طرف مسلمانان مورد استقبال



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

قرار گرفته است. ولت می‌گوید: اقبال مسلمانان به این هنر موجب گردید تا سال‌ها به عنوان تنها هنر اسلامی به درج مفاهیم دینی و مذهبی اسلامی بپردازد. این امر تا آنجا ادامه یافت که در ذهن اغلب مردم با شنیدن واژه هنر اسلامی اولین چیزی که مورد توجه قرار می‌گیرد، معماری اسلامی است (مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۵۸).

آنچه آثار معماری را با تمام گونه‌گونی‌ها در یک مجموعه در کنار یکدیگر تعریف می‌کند، انگاره‌ای است که آموزه‌های معنوی معماری اسلامی را در تک‌تک این آثار متبلور ساخته است؛ پس می‌توان معماری اسلامی ایران را آینه‌ای دانست که آموزه‌های اصیل، معنوی و حکمت اسلامی را در خود به ودیعه نهاده است.

در طول سال‌ها آثار بی‌شماری تحت عنوان مبانی معماری اسلامی دسته‌بندی شده‌اند. منظور از مبانی معماری اسلامی ایرانی عبارت است از: اصول و روش‌هایی که در ابتدا ریشه در اعتقادات و باورهای آسمانی و معنوی ایرانیان داشته و سپس بدون انقطاع تاریخی در اثر ممارست و حقیقت‌جویی و نوگرایی ایرانیان در تماس با سایر تمدن‌ها برپایه‌ی جهان‌بینی ایرانی اسلامی راهنمای پدیدآوردگان آثار برجسته بوده است؛ همچنین می‌توان به عنوان اصولی ثابت از آن‌ها یاد کرد که در طی قرون متمادی، تجلی کالبدی آن‌ها تا حدودی متفاوت و با توجه به زمان و مکان و امکانات در دسترس در تغییر و تحول و تکامل بوده‌اند. در عرصه معماری بحث از هویت، تقلید از آثار گذشته را به ذهن متبادر می‌کند، در حالی که هویت با تقلید از گذشته متفاوت است، چرا که در بهره‌گیری از آثار گذشته اگر اشکال و فرم‌ها به طور خلاصه تکرار شوند، نامی جز واپس‌گرایی را نخواهند یافت. (نقی‌زاده، ۱۳۸۹: ۹۰)

مفهوم هویت در معماری اسلامی، با نیازهای افراد مرتبط است و زمان حال را شامل می‌شود. هویت مفهومی پویاست که در گذر زمان دچار تحول می‌شود و تأثیرپذیری از زمان و روح زمانه از ضروریات وجودی آن است. (مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۱۱۶) پس از گذشت سال‌ها و تسلط فرهنگ مدرن در جوامع اسلامی فضایی جدید در عرصه هنر و معماری اسلامی ترسیم شده است و رواج الگوهای معماری و شهرسازی بیگانه در کشور کماکان ادامه دارد. بنابراین، هنرمندان و فرهیختگان ایرانی و اسلامی باید با تمام توان و دانش خویش در جهت بازآفرینی هویت اسلامی بکوشند تا به کمک آن روزگار شکوه و عظمت معماری اسلامی را باززنده‌سازی نمایند

## نیاز، فضا و فرم در معماری ایرانی-اسلامی

در معماری اصیل اسلامی-ایرانی نیز شاهد اهمیت نیاز در تشکیل فرم، در طراحی و هنرنمایی معماران ایرانی هستیم. فرم‌هایی که گاهی با خلاقیت و تکنولوژی منحصر به فردی همراه بوده است که این امر نشانگر توانمندی معماران ایرانی بوده است. حال آنکه در معماری مدرن به دلیل حضور فن‌آوری نوین و تکیه بر نیروهای برقی و انرژی‌های فسیلی، خلاقیت کاهش یافته و شاهد معماری مدول وار در انواع و اقسام شرایط آب و هوایی منطبق بر نیازهای مختلف فرهنگی و جغرافیایی هستیم و این امر سبب شده که مفاهیم طراحی معماری با نیازهای واقعی ساکنین تطابق کمتری داشته و به مرور زمان افراد بیش از پیش دلتنگ فضاهای معمارانه اصیل در بناهای ایرانی باشند. لازم به ذکر است در معماری ایرانی فضای بدون کاربری بی‌معنا بوده و هیچ فضای بلا استفاده‌ای در بناها یافت نمی‌شد. این در حالیست که در معماری نوین امروزی به فضاهایی بر می‌خوریم که استفاده چندانی نداشته و کاربری مناسبی برای آنها تعریف نشده است.

بنابراین در طراحی معماری اصیل اسلامی-ایرانی ابتدا فضا (جهت رفع نیاز ساکنین) شکل می‌گرفت و سپس فرم به وجود می‌آمد، حال آنکه در معماری نوین ایرانی ابتدا فرم، سپس فضا و نیاز منطبق با فضا به وجود می‌آید و معماران به مثابه خالقان بنا، اثری را خلق می‌کنند که عمری کوتاه دارد و ادامه حیاتشان به فن‌آوری و تکنولوژی وابستگی دارد. در حالیکه در معماری اصیل اسلامی-ایرانی، معماران خلاقانه به خلق فضا و بنا می‌پرداختند (تفرشی راد و همکاران، وزارت راه و شهرسازی، ۱۳۹۱).



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

## لزوم بازگشت به (مفاهیم) معماری ایرانی

به راستی واقفیم که معماری ایرانی را به صورت تمام و کمال بایستی در معماری سنتی این مرز و بوم جستجو کرد و مفاهیم ارزنده ی آن معماری را به درون معماری امروز ایران (که فاقد روح و معنای حقیقی زندگی متناسب با فرهنگ ایرانی است) منتقل ساخت. معماری سنتی ایران حاکی از رشد تمدن آن در طول قرن‌هاست و براساس پنج اصل درونگرایی، استقلال، انطباق انسان ساختار و مدولاسیون و هدفمندی استوار است. معماری سنتی عبارت است از آن گونه معماری که اولاً بار فرهنگی خاصی داشته باشد و ثانياً در طول زمان دست به دست شده و از نسلی به نسل دیگر رسیده باشد. و چیزی است که در جامعه وجود داشته و در طول زمان استمرار پیدا کرده است.

سه ویژگی اساسی معماری سنتی: معماری سنتی محصول روش سنتی در طراحی و ساخت است. معماری سنتی دارای الگوهایی است که تبلور فرهنگ جامعه است، در طول زمان استمرار یافته و دست به دست گشته و منتقل شده است.

معماری سنتی با امر قدسی مرتبط و گونه ای معماری با ارزش و با معناست (مشکینی، ۱۳۹۲) جامعه سنتی در درون یک نظام معنوی زندگی می کند که هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی، جویای هماهنگی و تناسب کامل است. آفریده های آن، چون معماری، از جهانبینی های تام و کاملی سرچشمه می گیرد که نیروهای خلاقه انسان را پدید می آورد، آنرا به سوی غایتی رهنمون می شود و در عین حال، جامعه را به صورت کل واحد وحدت می بخشد. در این جامعه انسان سنتی به سوی گونه ای توجیه و تبیین امور برانگیخته می شود که تفسیری معنوی و عرفانی درباره حیات به دست دهد و مقدم بر مشاهده و ادراک خارجی و در عین حال مافوق آن باشد. به این ترتیب انسان سنتی نه تنها به ظاهر بلکه به باطن نیز توجه بسیاری دارد، ظاهر، عبارتست از جنبه کیفی و فعلی معنویت که همه اشیا واجد آن هستند (اردلان ۱۳۹۲) معمار سنتی پیشه خود را مقدس می دانست، زیرا جایگاه خویش را در سلسله ای قدسی می دید که از طریق آن به معمار جهان متصل می شد. معماران خداوند را معمارانی می دانستند که گنبد کبود و عظیم جهان را برافراشته و همه جهان را چنان زیبا و کارآمد آفریده است که هیچ سستی در آن دیده نمی شود. پس در معماری نیز باید به دو تشبیه جست، بنای خلق خدا را با خلقی خدایی ساخت و در نظم و کرائی و زیبایی و خلل ناپذیری، از عمارت الهی تقلید کرد. بنا را باید چنان ساخت که با دستگاه معماری کائنات هماهنگ باشد و در برابر نظام طبیعت قد علم نکند، بلکه جزئی از آن به شمار آید (قیومی بیدهندی ۱۳۹۷).

## تحلیل شهر امروزی - شهر اسلامی

شهرهای ایران که دارای ویژگی های تکامل یافته در قرون متمادی بودند، در عرض چند دهه دچار تحوّل عظیم شدند آن چه را که این شهرها به عنوان خصوصیات کالبدی خود داشتند، فضاها و عناصر معماری شهرسازی ارزشمندی منبعت از فرهنگ حاکم بر زندگی شهروندان بودند هر فضا یا عنصر معماری شهری، طبق نیازهای روزمره ساکنان شهرها و در پاسخ به رشد و دگرگونی جامعه شهری طی زمان شکل گرفته و تکامل یافته بود بافت‌های قدیمی به همراه عناصر و فضاهای شهری درون خود، مانند شبکه معابر، بازارها و آب انبارها، مساجد و کاروانسراها و... علاوه بر شکل فیزیکی قابل توجه و خصوصیات کالبدی، ارزش های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی ویژه ای را در خود نهفته داشتند. اقدامات و برنامه‌های شهرسازی که از چند دهه قبل شروع شد، بدون هیچ توجهی، زمینه‌های نابودی ارزش های سنتی اسلامی شهرها را فراهم آوردند. آن چه که تحت عنوان شهرسازی دوره جدید همچون موجی فراگیر به شهرهای بزرگ و سپس سراسر کشور





# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

رسید، چیزی جز انعکاس تحولات غرب نبود سالها پس از انقلاب صنعتی در غرب، که دگرگونی های را در شیوه زندگی شهری به دنبال داشت، با نفوذ استعمارگران در ایران، الگوبرداریها و برداشت هایی از شیوه غربی شهرنشینی و برنامه ریزی شهری به عمل آمد(نصر، ۱۳۹۵).

## علت تغییر بافت اسلامی شهرهای ایران در گذر زمان

این مسأله در ابتدا در شکل ساختمان های شهری به ویژه اسکان های غیررسمی و معماری های تک بنا و سپس به صورت تأثیر بر بافت و کالبد شهرها نمایان شد. این دگرگونی ها، در حقیقت متأثر از رشد برنامه ریزی شهری در غرب بود که آن نیز از ویژگی های سرزمینی و خصوصیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همان جوامع تأثیر گرفته بود علاوه بر این، آنچه که در غرب به وقوع پیوسته بود، از ابتدا و در اصل دارای مسیری صحیح و مراحل کامل و منطقی نبود، بلکه در همان نواحی نیز طی سالها و همراه با فرآیند زمانی معینی مراحل تکامل خود را پیمود؛ آن هم نه تکاملی مطلوب و نه رشدی در جهت حفظ تمامی خواست های شهروندان از این رو، در غرب نیز نیاز به برگرداندن ویژگی های فرهنگی، خصوصیات همسایگی و روابط صمیمی در بین ساکنان شهرها احساس گردید و سعی شد تا به شهرهای صنعتی و شهرک های کارگری و سیمایی مطلوب داده شود چنانکه می توان اقرار به نرفتن در مسیری کاملاً مطلوب را در اظهارنظرهای برخی از متخصصان شهری غرب یافت در جایی گفته شده است: اکنون هر روز بیشتر از روز قبل و در مقیاس وسیعتر واضح می گردد که شهرهای مصنوعی ما فاقد برخی از اجزای لازم هستند. در مقام مقایسه ملاحظه می شود که شهرهای طبیعی فرم زنده ای داشته و زندگی به مفهوم واقعی در آنها جریان دارد در حالی که کوشش طراحان در عصر کنونی در خلق شهرهای مصنوعی از نقطه نظر انسانی کاملاً غیرموفق بوده است.

روند شهرسازی و شهرنشینی ایران از سال ۱۳۰۰ شمسی به بعد وارد مرحله تازه ای شد که می توان آن را مرحله تحول و دگرگونی نامید در ایران، الگوبرداری هایی از شیوه های برنامه ریزی شهری به عمل آمد و خیابان های بسیاری منطبق با خواست های بورژوازی در حال رشد احداث شد ورود اتومبیل به شهرهای ایران، فعالیت های تجاری را به کنار خیابان کشاند این کار، سهولت حمل و نقل کالا را در مقایسه با بازار فراهم کرد بدین ترتیب، ساخت شهرها نیز دگرگون شد(توسلی، ۱۳۹۵).

اگر به معماری گذشتگانمان توجه کنیم، می توانیم این ادعا را داشته باشیم که فرهنگ یکی از شاخصه های معماری گذشته بوده و این نوع معماری با طبیعت، اقلیم و حتی نیازهای فطری انسان مطابقت داشته است. برای توسعه معماری اسلامی- ایرانی نیازمند پرداختن به این موضوع در متن قانون اساسی کشور هستیم. کشورهای پیشرفته دارای معماری منسجم و مطابق با هویت خود هستند و تمامی این مسائل در قانون اساسی پیش بینی شده است. متأسفانه در حال حاضر یک قانون منسجم و واحد برای حوزه ساخت و ساز پیش بینی نشده است که همین موضوع سردرگمی و در برخی اوقات نابهنجاری هایی را در حوزه مذکور بوجود آورده است. طرح توسعه شهرها طبق قانون تهیه می شود که متولی این امر وزارت راه و شهرسازی است که متأسفانه در نگاه اجمالی به این طرح ها متوجه می شویم که تمامی طرح های موجود اقتباس از طرح های کهنه است. به طور کل ماهیت طرح های ارائه شده دچار مشکل است چرا که مبانی این طرح ها برای گذشته است. متأسفانه طرح های موجود با فرهنگ و اعتقادات کشور ما در تضاد هستند و همچنین به مسائل مرتبط با مالکیت خصوصی نیز در این طرح ها توجه نشده است. کلیه مطالعات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در طرح ها تنها به عدد تبدیل می شود و به هیچ وجه نیازها در طرح ها لحاظ نمی شود.

در ماده ۲ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان صراحتاً به آن اشاره شده است. در برنامه ششم توسعه نیز به این مهم تأکید شده و از این رو کارگروهی برای دستیابی به اصل معماری اسلامی- ایرانی نیز تشکیل شده است. ماهیت



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

کمیسیون ماده ۱۰۰ جلوگیری از ساخت و سازهای غیرمجاز است، اما با تبصره های موجود متأسفانه عکس قضیه اتفاق می افتد، چرا که بودجه شهرداری ها از این طریق تامین می شود. نادیده گرفتن قوانین موجود موجب اشراف پیدا کردن ساختمان های مجاور و کم اهمیت نشان دادن بحث حریمیت است که این خود باعث بوجود آمدن اغتشاشات بصری در حوزه ساخت و حوزه شهری شده است (توسلی، ۱۳۹۴).

## معماری اصیل اسلامی - ایرانی و معماری سکونت گاه های امروزی

یکی از مهمترین دیدگاهها و اصلی ترین هدف معماران اصیل اسلامی - ایرانی، ارزش نهادن به ماهیت نیازهای انسان می باشد که این دیدگاه منجر به خلق فضایی مناسب می شد که نیازهای انسانی ساکنین را که بر آیین، فرهنگ و اقلیم محل سکونت ایشان منطبق می باشد، فراهم می آورد. ایشان پس از در نظر گرفتن نیازهای ساکنین، فضا و فرم را طراحی می کردند و در نهایت بنای ساخته شده علاوه بر تامین نیازهای ساکنین، فرم های بدیع و قابل توجهی داشت که این امر نیز بیانگر هنر، خلاقیت معماران ایرانی بوده است. همچنین تکنولوژی ساخت این ابنیه با توجه به امکانات روز قابل توجه می باشد. این درحالیست که معماری رایج امروزی، متأثر از فرهنگ غربی می باشد و با تاثیر از استانداردهای غربی شکل مدوله ای به خود گرفته و به فرهنگ، آداب و رسوم ایرانیان بی توجه است.

علاوه بر این در پهنه جغرافیایی ایران مردمان با آداب و رسوم مختلف (کرد، لر، ترک، ترکمن، بلوچ، فارس و ...) زندگی می کنند که برغم اشتراکات فراوان، تفاوت هایی نیز دارند و هرکدام با توجه به فرهنگ و اقلیم محل زندگی، نیازهای گوناگون و مختلفی خواهند داشت. بنابراین نمی توان برای گستره وسیعی از فرهنگ ها و اقلیم های متفاوت، به صورت یکسان و آنهم به شکل غربی و با استانداردهای وارداتی، خانه طراحی نمود. این درحالیست که هم اکنون الگوی طراحی مسکن در اغلب شهرهای ایران مشابه است. بنابر موارد فوق، به نظر می رسد معماری رایج امروزی در ایران، فاقد اهداف و دیدگاه های معماری اصیل اسلامی - ایرانی می باشد.

برغم آنکه انتظار می رود معماری امروز ایران، شکل تکامل یافته معماری اصیل اسلامی - ایرانی باشد، معماری رایج امروزی در ایران برگرفته از معماری اصیل اسلامی - ایرانی نیست. شاید بتوان گفت یکی از دلایل این امر، جاه طلبی و قدرت طلبی پادشاهان ایرانی بوده است. چراکه گاهی برخی پادشاهان به منظور قدرت نمایی و تثبیت پایه های حکومت خود، ابنیه مربوط به پادشاه پیشین را نابود می کرده اند و آثار جدیدی بر روی آنها احداث می نمودند. نمونه بارزی از این گونه ابنیه، گنبد سلطانیه می باشد که در جدار داخلی آن آثار ارزشمندی از همه ادوار ملاحظه می گردد. علاوه بر این، از اوایل دوره قاجار، غربگرایی و خود باختگی بر شاهان ایرانی سایه افکند که این امر منجر به تقلید کورکورانه از معماری غربی و از دست رفتن فرهنگ و معماری اصیل اسلامی - ایرانی گردید. تا جاییکه از معماری اصیل اسلامی - ایرانی، تنها نامی و یادی برجا مانده است.

## ارزش های معماری سنتی در معماری معاصر ایران

دراستای پی بردن به ارزش های معماری سنتی و رابطه معماری با انسان، سنتها، اعتقادات و فرهنگ یک جامعه دو دیدگاه را مورد بررسی قرار می دهیم؛ نخست دیدگاه نظری و فلسفی، و دوم دیدگاه عملی و کاربردی. از آنجا که معماری یکی از مهمترین عوامل شکل دهنده ی محیط زیست است، باید ابعادی جامع و در عین حال طبیعی داشته باشد، پس در هر زمینه ای باید بتواند پاسخ گوی نیازهای زمانی و مکانی باشد. بنابراین معماری بر سه اصل اولیه استوار است اول معماری باید بر حقیقتی استوار و از اصالتی برخوردار باشد، برای درک این اصل، توجه به مضامین فلسفی و زیبایی شناختی ضرورت می یابد. دوم معماری باید مفید واقع شود، به عبارتی دارای هدف باشد و به





# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

کاربردهای در نظر گرفته شده منتج شود. این اصل به عملکرد معماری اشاره دارد. و سوم معماری باید از استحکام و استواری لازم برخوردار باشد. جمله ای از لویی کان در مورد معماری سنتی، می تواند آگاهی بیشتری در زمینه ی انتقال سنتها به دوره ی معاصر در اختیار ما قرار دهد نمی توان حال و گذشته ی یک میراث فرهنگی را از فرد جدا کرد. ولی این واقعیت را نیز نباید انکار کرد که انسان نمی تواند در بستر سنتها زندگی کند. انتقال معماری سنتی به دوره معاصر علاوه بر درک معماری حاصل از بررسی عکس العمل ناظر، به ابعاد انسانی و احساسی نیز توجه می شود. از دیدگاه احساس به صورت مجرد به مورد اشاره می شود:

- احساسی که خود هدف و مقصد است (درک هدف).
- احساس موروثی(حس آشنایی نسبت به بنا به محض دیدار آن).
- احساسی که در فرد پدید می آید و او را متأثر می کند.

رویکردها و مفاهیمی که در طراحی مجتمع مسکونی امروز در نظر داریم متناسب با مفاهیم معماری ایرانی است، لذا به معرفی و شناخت بیشتر برخی از این مفاهیم اساسی و بازتاب آنها در طراحی امروزی مسکن میپردازیم. پیرنیا مهمترین اصول معماری ایرانی را «درونگرایی»، «پرهیز از بیهودگی»، «مردم‌محوری»، «خودبسندگی» و «نیارش» دانسته است. **درونگرایی:** یکی از باورهای مردم ایران زندگی شخصی و حرمت آن بوده که این امر به گونه ای معماری ایران را درونگرا ساخته است. معماران ایرانی با ساماندهی اندام های ساختمان در گرداگرد یک یا چند میانسرا، ساختمان را از جهان بیرون جدا م یکردند و تنها یک هشتی این دو را به هم پیوند می داد (معماریان، ۱۳۹۶) امروزه با حذف حیاط از معماری خانه های مسکونی و ایجاد ارتباط مستقیم و بدون وقفه بین فضای درون با برون در طرح های جدید آپارتمانی و نادیده گرفتن مراتب عبور از فضاهای گوناگون، نقش و کارکرد حیاط که ضمن تقلیل خستگی ها و نگرانی های روزانه، تلطیف روحیه و روان را بلافاصله در بدو ورود به آن موجب می شد، از بین رفته است علاوه بر آنکه انسان را بی توجه به طبیعت و پیرامون خود کرد، حرمت خانه را نیز دستخوش ناامنی روانی، عدم آسایش و آرامش و مشکلات ناشی از بیرون خانه کرد (ناری قمی، ۱۳۹۹).

**پرهیز از بیهودگی:** در معماری ایران تلاش می شده کار بیهوده انجام نشود و از اسراف پرهیز می کردند و ساختن هر فرم معماری دلیل کارکردی مجزا از بحث زیبایی شناسی داشته است.

**مردم محوری:** مردم محوری به معنای رعایت تناسب میان اندام های ساختمانی با اندام های انسان و توجه به نیازهای او در کار ساختمان سازی است. در ایران هم مثل مکان های دیگر، معماری هنری وابسته به زندگی است. معمار ایرانی بلندای درگاه را به اندازه بالای مردم می گرفته و روزن و روشنندان را چنان می آراسته که فروغ خورشید و پرتو ماه را به اندازه دلخواه به درون سرا می آورد. پهنای اتاق خواب به اندازه یک بستر است و افراز طاقچه به اندازه های است که نشسته و ایستاده به آسانی در دسترس باشد و از طرفی تالار که مخصوص مهمان است به اندازه های پهناور و با شکوه بوده که شایسته پذیرایی باشد(معماریان، ۱۳۹۶).

**خودبسندگی:** معماران ایرانی تلاش می کردند مصالح مورد نیاز خود را از نزدیک ترین نقاط ممکن به دست آورند و ساختمانها را چنان می ساختند که نیازمند به مصالح جا های دیگر نباشد و تنها به خود اکتفا کنند. به این ترتیب کار ساخت و ساز با شتاب بیشتری انجام می شد و ساختمان با طبیعت پیرامون خود سازگارتر بود و هنگام بازسازی و نوسازی نیز همیشه مصالح در دسترس است.



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

**نیارش:** نیارش به دانش ایستایی، فن ساختمان و مصالح شناسی گفته می شود. معماران به نیارش ساختمان بسیار توجه می کردند و آن را از زیبایی جدا نمی دانستند. آنها به تجربه به اندازه هایی برای پوششها و دهانه ها و جرزها دست یافته بودند که همه بر پایه نیارش به دست آمده بود (معماریان ۱۳۹۶).

**نظم (هندسه) و بی نظمی:** نظم در معماری ایرانی مترادف هندسه است. ریاضیات و هندسه نقش بسیار تعیین کننده ای در معماری خانه های ایران داشته اند. در هنر ایران پیچیده ترین فرمها همواره از ترکیبات هندسی بسیار ابتدایی به وجود آمده اند. هندسه اساساً عنصر متحدکننده جز و کل است، مطلق است و تغییرناپذیر و انسان را با منطق آفرینش با نجوم و نظم طبیعت و آسمان آشنا می سازد. ارزش فرم های هندسی نه کمی بلکه کیفی است.

**شفافیت و تداوم:** نقطه مقابل مفهوم فضای بسته و تمام شده، مفهوم شفافیت و تداوم قرار دارد، در چنین فضایی، مسیر حرکت انسان و یا نگاه او در تداومی پیوسته صورت می گیرد، به طوری که گشایش های فضایی در خطوط افقی و عمودی موجب شفافیت در لابه لای دیوارها و ستونها می گردد که دورنما و منظر نهایی در افقی لایتناهی و مستهیل، مجدداً جان و جلوه تازه به خود می گیرد. به مفهوم سلسله مراتب مفهوم تداوم برای تشریح مفهوم اصل معماری ایران تلقی صحیحی محسوب می شود (معماریان، ۱۳۹۶).

**ابهام و ابهام:** احساس عظمت معنوی در کمال سادگی و خلوص در تشکیل و ترکیب ابنیه ایران مدنظر قرار داشته و سادگی ترکیبات این هندسه پایه ولی غنی موجب پیدایش ساختمان هایی شده است که پیام آن با درک ویژه حسی قابل دریافت است و توأم با کلیتی است که کمال خود را در منظر و تصویری کامل القا می نماید. در معماری ایرانی هر چیزی دارای معنایی برونوی و نیز درونی است. مکمل هر صورت خارجی واقعیتی درونی است که ذات نهانی آن است. به این سبب معماری و شهرسازی ایرانی دارای ابهام و ابهام و قابل تاویل است. همه عناصر معنایی نمادین دارند که از رهگذر تاویل مکشوف می شود.

**تبادل موزون، توازن حساس:** ایوان، یکی از عناصر ویژه معماری ایران که فضایی نیمه باز نیمه بسته می باشد یکی از تعمیمات عالی این نوع نگرش همزیستی با طبیعت است. غیر از تنظیم منظر در قالب تصویری محاسبه شده، حضور ایوان، روشنایی میانه (سایه روشنها) را در بر گرفته و حد رابط بین فضای خارجی و داخلی است که در تعدیل و تنظیم کیفیت هوا نیز کاملاً مؤثر است. در خانه های سنتی، هشتی حد میانه و واسطه ای است که تنظیم کننده حدود و عرصه های قابل رؤیت و دریافت می باشد و رابطه دنیای بیرونی هشتی و اندرونی آن، همانند حد مکانیابی ایوان بین فضای داخلی و مرکزی است (معماریان، ۱۳۹۶).

## نقش ارزش ها و مفاهیم معماری سنتی در هویت ملی

امروزه موضوع هویت ملی در فرم ساخته شده به عنوان بحث رایج در معماری سنتی و ملی می باشد، برای دستیابی به هویت ملی در دوران معاصر، معماری نشانه ها و عناصر فرهنگی و مصنوعات محلی را در راستای تولید ساختمان به عنوان هویت نمادین، مورد توجه قرار می دهد. هویت فرهنگی معماری را همان ارزش هایی رقم می زند که تنها در بستر بناهای سنتی ادراک می شود، چرا که معماری به آن دلیل شکل می گیرد تا ارزش ها را در خویش بپروراند و کالبدی بر آنها متصور شود که اگر چنین نبود و معماری سنتی ایرانی فاقد ارزش می نمود، معماری ابنیه کهن بیشتر از مشتی خشت و خاک نمی نمود. هنر ایرانی، هنری سرشار از نبوغ اصیل ایرانی است و قومی که چنین هنری را بوجود می آورد، باید غریزه و نبوغی از آن خود داشته باشد و هنرش نیز نمی تواند تنها تلفیقی از عناصر برگرفته از فرهنگ های دیگر باشد. این نکته بر این دلالت دارد که معماری و شهرسازی، واجد رسالتی است تا ارزش های کهن فرهنگی را در درون خویش پاس دارد و



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

براین اساس عنصری هویت بخش در ساختار فرهنگی شمرده شود، چنانچه همگونی فرهنگ و معماری در آثار معماری جهان مشاهده می شود.

از آنجایی که فرهنگ هر جامعه، به نوعی، تعریف کننده هویت جامعه است و معماری هر جامعه، تجلی ای از هویت جامعه در عرصه ماده است، به ارتباط میان معماری سنتی خانه ایرانی با مؤلفه های هویت ساز جامعه آن زمان می پردازیم. از جمله مهم ترین و ابتدایی ترین مؤلفه های هویت ملی می توان به ارزشها و هنجارهای ملی، اسطوره ها و نمادهای ملی، میراث فرهنگی، ویژگی های جغرافیایی و بعد دینی و باورهای مذهبی اشاره کرد. در این راستا شیوه های نمایش عناصر هویت ساز در معماری به صورت تکرار الگوهای گذشته، استفاده از نمادها، معماری بومی، تزیینات و پنج اصل معماری ایرانی (مردم واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، درونگرایی و خودبسندگی) دسته بندی می گردد (معماریان، ۱۳۹۶).

بعد ارزشها و هنجارهای ملی در معماری به وسیله تزیینات، استفاده از نمادها، مردم واری، پرهیز از بیهودگی و خودبسندگی، بعد میراث فرهنگی در معماری توسط تزیینات، تکرار الگوهای گذشته نمود می یابد. همچنین ابعاد اسطوره ها و نمادهای ملی در معماری با تزیینات، استفاده از نمادها، تکرار الگوهای گذشته و بعد ویژگی های جغرافیایی در معماری توسط پرهیز از بیهودگی، خودبسندگی، معماری بومی، نیارش، درونگرایی قابل ظهور خواهد بود. نمود بعد دینی و باورهای مذهبی در معماری؛ تزیینات، استفاده از نمادها، مردم واری، پرهیز از بیهودگی، خودبسندگی، درونگرایی می باشد. در نهایت با بررسی این نمودها در یکی از خانه های سنتی ایران این نتیجه حاصل شد که تمام عناصر معماری سنتی و مفاهیم معماری ایرانی، از لحظه ورود به بنا تا لحظه حضور در تک تک فضاهایش ارتباط بسیار تنگاتنگی با هویت جامعه برقرار کرده اند.

## رابطه هویت، تقلید و بدعت

**رابطه هویت و تقلید:** در عرصه معماری بحث از هویت، تقلید از آثار گذشته را به ذهن متبادر می کند در حالی که هویت با تقلید از گذشته متفاوت است چرا که در بهره گیری از آثار گذشته اگر اشکال و فرم ها به طور خلاصه و جسد گذشته تکرار شوند نامی جز واپسگرایی، را نخواهند یافت (نقی زاده، ۱۳۸۹) الکساندر در این زمینه معتقد است که هویت در بناها نه ناشی از تاریخی بودن و نه ناشی از ابتدایی بودن روند احداث آنهاست، تنها ملازمت و همراهی ضرورت ها اهمیت دارد. هگل نیز ساخت دوباره بناهای تاریخی را متمایز از هویتی داند و معتقد است. رویدادهای تاریخی همیشه دوبار روی می دهد: بار اول به صورت تراژیک و بار دوم به صورت کمیک و هر کوششی برای تکرار آگاهانه صورت های تاریخی گذشته جز به صورت دوم نخواهد بود. (آشوری، ۱۳۹۵)، به علاوه بهره گیری از سنت در آثار معماری نیز به معنای تکرار و تقلید آثار گذشته نبوده و بر اصول و مبانی نظری و فلسفی که خود نیز در حال تکامل هستند متمرکز می باشد (نقی زاده، ۱۳۸۹).

**رابطه هویت و بدعت:** در بسیاری موارد هویت متضاد با نوآوری قلمداد می گردد. در حالی که نه تنها در تقابل با هم نیستند بلکه لازمه یکدیگرند. نوگرایی مطلوب، پذیرش اصول و ارزش های اصیل و فرهنگی و هویت بخش گذشته به همراه تجلی مطابق نیاز انسان و نیز بومی نمودن هر آنچه که از سایر تمدن ها وارد شده و تراحم با ارزش- های فرهنگی جامعه ندارد، می باشد (نقی زاده، ۱۳۸۹) از این رو چیزی به دلیل متجدد بودن و یا تعلق به معماری گذشته حائز اهمیت و ارزش نمی گردد بلکه درستی و صلابت طراحی است که در کانون توجه قرار دارد. معماری شراب یا پنیر نیست که یکی به سبب کهنه بودن و دیگری به صرف نو بودن، عنوان بهتر بودن به خود بگیرد (نوحی، ۱۳۹۴) تداوم ارزش های خودی به معنای پیوند با گذشته و عدم انقطاع، در عین نوآوری و خلاقیت با توجه به





# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

شرایط زمانه که از آن به تحول یاد می شود، در راستای یکدیگر می توانند هویت کالبدی را شکل دهند (میرمقصدائی، ۱۳۹۳) بنابراین هویت در معماری نه، صرف تقلیدی بودن است و نه بدیع بودن.

مفهوم هویت در معماری با نیازهای افراد مرتبط است و زمان حال را شامل می شود. هویت، مفهومی پویا است که در گذر زمان دچار تحول می شود و تاثیرپذیری از زمان و روح زمانه از ضرورت وجودی آن است. مطالعات صورت گرفته نشانگر آن است که با هویت بودن آثار معماری گذشته حاصل بازتاب ارزش های انسانی در ساحت معماری است. اما نباید ساخت دوباره بناهایی به شکل آثار معماری سنتی را با ساخت معماری با هویت یکی دانست. چرا که معماری سنتی مطابق با نیازهای دوران سنتی بوده است و ساخت دوباره آنها در زمان حال، با مقتضیات دوران معاصر هماهنگ نخواهد بود. برای احیای هویت در دوران معاصر میبایست نیازهای مادی و معنوی مخاطب را بازشناسی کرد، محیط را با تمام ویژگی های اقلیمی و محیطی آن شناخت و با تکنیک ها و فناوری های موجود آشنایی پیدا کرد. در عصر حاضر، شکل گیری معماری با هویت نه تنها با مفاهیم معاصر نظیر پایداری، ساخت مکان و بهره گیری از فناوری های پیشرفته ساخت مغایرتی ندارد، بلکه لازمه یکدیگرند و یک هدف را دنبال می کنند (حجت، ۱۳۹۴).

## بازآفرینی ارزش ها و مفاهیم در معماری امروز

با بررسی فضاهای معماری گذشته ی ایران در می یابیم که اصل تسلسل در معماری سنتی حریم های خصوصی را با ایجاد شکستگی در محورهای حرکت، از فضاهای دیگر جدا می کرد. تعدد این محورها از ورودی منزل تا اندرونی به بیگانه اجازه نمی داد تا به طور مستقیم بر فضاها و حریم خصوصی خانه اشراف پیدا کند. تناسب، مقیاس و ریتم، عواملی هستند که تسلسل را در معماری به وجود می آورند. این عوامل در عین حال که دارای ابعاد فیزیکی اند، پشتوانه ی فرهنگی نیز دارند. در معماری تلفیق درست چنین اجزا تشکیل دهنده ای، مفاهیم فرهنگی و معنوی را حفظ کرده، کیفیتی را در معماری به وجود می آورد که آن را وحدت می نامیم (سلطانزاده، ۱۳۹۶) در معماری سنتی ایران، همواره به ایجاد محیط زیست مناسب در کنار محیط زیست طبیعی و به وجود آوردن فضای مطلوب اهمیت داده اند. فضای سبز خصوصی در بعضی از مناطق مانند حاشیه کویر، تضاد فضایی و محیطی را در بر دارد و در مناطق شمالی، محیط را به فضای خصوصی پیوند میدهد. داشتن حیاط با حوض و باغچه از سنت های خوب و مفید ایرانیان بوده است. در حال حاضر به دلایلی که در نوهی توسعه ی شهرهای امروزی مطرح شد، امکان ایجاد فضای سبز به طریق سنتی، برای هر واحد مسکونی بسیار اندک و در اکثر موارد ناممکن است. برای رفع این مشکل، الزامی است که مسئولان امور شهری و معماران در طراحی خود بخشی از فضای ساختمان سازی را به فضای سبز اختصاص دهند. لذا، می بایست در طراحی مجتمع یا مجموعه ها فضاهایی را برای گیاهان و درختان همیشه سبز قرار داد تا دست کم مقداری از آلودگی هوا در محیط زیست کاسته شود و هم فضای دلپذیری را برای ساکنین مجموعه ایجاد کند.

در فضاهای سنتی ایرانی، جهت قرارگیری ساختمان، محل و ابعاد حیاط اهمیت خاصی دارد، و با وجود ضعف تکنولوژی اعصار گذشته، برای بهره گیری از هوای مطبوع و مطلوب در داخل فضای زیست، اقدام هایی به عمل می آمد و از طبیعت کمک گرفته می شد. اما در عصر جدید و با وجود دسترسی به تجهیزات و تکنولوژی پیشرفته چنین مهمی را به فراموشی سپرده اند. مورد دیگر که تاسی به آن در زمینه ی بهره گیری از اندیشه های گذشتگان می توان یادآور شد، استفاده از بادهای موسمی و محیطی و نیز استفاده ی صحیح از نور خورشید و سایه هاست که با درست قرار دادن جهت ساختمان در محیطی که در آن زندگی می کند، امکان پذیر میشود. در عصر جدید و در معماری معاصر، مبانی نظری معماری مورد بی مهری قرار گرفته است. می توان برای اندیشیدن در جهت دستیابی به طراحی مطلوب در معماری دو مرحله قائل شد: نخست: مرحله ی آگاهی کامل از مبانی معماری است که جایگاه فرهنگ و اعتقادات و نیازهای



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

اجتماعی یک جامعه، در بطن این مبانی قرار دارد. مرحله ی دوم به مسائل فیزیکی و تکنولوژی اختصاص دارد. در این مرحله است که می توان به چنین مواردی اندیشید. از همین روست که برای حفظ ارزش های معماری گذشته، باید همواره ارزش های فرهنگی و اعتقادی آن را در نظر داشت تا از این طریق بتوان هویتش را حفظ و حراست کرد. در نتیجه، قبول این امر کاملاً طبیعی است که یک ساختمان، هر چند به جدیدترین تکنولوژی مجهز باشد، اگر هویت ایرانی نداشته باشد در این حیطه نمی گنجد و قادر نخواهد بود که تحسین مردمی با این فرهنگ را نسبت به خود برانگیزد. و این بدان معنا نیست که معماران برای حفظ ارزش های معماری سنتی یک ملت، بدون قید و شرط در بستر سنتها باقی بمانند، بلکه ضرورت دارد که با هوشیاری تمام، برای انتقال آن سنتها و مفاهیم فرهنگی به معماری معاصر بکوشند (ورجواند ۱۳۹۰).

پروفسور رولاند راینر، مولف کتاب معماری بومی ایرانی، از معماری سنتی ایران در خلق فضاهای جدید مسکونی الهام گرفته و دو عامل تراکم و کیفیت محیط (کالبدی و اجتماعی) را به عنوان عوامل مهم برای فرم کالبدی و سازماندهی اجتماعی محیط های مسکونی مطرح نموده است. تراکم بیشتر واحد مسکونی، به ویژه خانه های کوچکتر، جمعیت بیشتری را می تواند در خود جای دهد و این کار هنگامی مجاز است که کیفیت مطلوب فضای زیست و محیط زندگی در طراحی و ساخت در نظر گرفته شود. کیفیت های مهم در واحدهای مسکونی عبارت اند از:

کیفیت های محیط زیستی نظیر توجه به اکوسیستم های طبیعی و تنوع زیستی و همسازی با طبیعت و نظام آفرینش از سویی و ایجاد ارتباط با طبیعت از نظر تنظیم شرایط محیطی و انرژی کارایی و استفاده از انرژی های تجدیدپذیر طبیعت از سوی دیگر و ارتباط ادراکی با عناصر و مظاهر طبیعت مانند زمین، آب، آسمان، گیاهان و نظیر آن. کیفیت های اجتماعی فرهنگی نظیر عرصه بندی های اجتماعی و رعایت ویژگی های فرهنگی در تفکیک عرصه های خصوصی و عمومی و بیرون و درون در مقیاس واحدهای مسکونی در محلات، ساختار گروه بندی اجتماعی منطبق با ساختار کالبدی واحدها و محلات مسکونی و ایمنی و امنیت فضاها و محلات مسکونی، پیاده محوری و توجه ویژه به عرصه ها و فضاهای همگانی. کیفیت های کالبدی نظیر تنظیم و طراحی فضاهای پرو خالی متناسب با شرایط محیطی، اجتماعی و فرهنگی، ایجاد فضای باز و نیمه باز خصوصی در واحدهای مسکونی، رعایت مقیاس انسانی از مقیاس خرد تا کلان و ایجاد وحدت تنوع و تناسب مطلوب.

## تعامل فناوری های نوین در معماری با ارزش های معماری ایرانی

در این راستا به دنبال ویژگیها و مفاهیمی از معماری سنتی و ایرانی هستیم تا با انتقال آنها به دنیای نوین با فناوری های جدید ساخت، مصالح جدید و ... نوعی کالبد و فضایی را تعریف کنیم که پاسخگوی نیازهای انسان معاصر بوده و مناسب جامعه در حال تحول نیز باشد. با توجه به اینکه امروزه آن حیات معنوی و سنت آیینی رونق و رمق گذشته را ندارد و معماری امروز با واقعیت دیگری مواجه است و به لحاظ معماری مانند قبل با اندیشه اصیل این سرزمین آمیخته نشده است. بنابراین رسالت معمار امروز تنها مهندسی صرف نیست، بلکه اتصال دوباره به ریشه های فرهنگی و خودآگاهی از گذشته هویتی است، چرا که تنها در این صورت است که می توان اثری ماندگار خلق کرد و این خود مصداق زیبایی از این عبارت است که آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند. یکی از بحث های مهم و ضروری در احیای معماری ایرانی توجه به پایداری و توسعه پایدار است. چنانچه در روستاهای ایران مشاهده می کنیم، اصول معماری پایدار در آنها بارز است. پایداری در ریشه معماری ایرانی است، عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فیزیکی، همگی با هم ساختار جامعه را شکل می دهند.



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

## جمع بندی

با استناد به آیات و روایات الهی می توان دریافت که اولاً عشق به زیبایی سر منشأ فطری دارد و در ذات بشر به ودیعه نهاده شده است ثانیاً اندیشه هنر اسلامی دنیا را نردبان آخرت قرار داده و ورود به بهترین محل استقرار و نکوترین اسکان در آخرت نیازمند به عبور از این نردبان است؛ یعنی برای ورود به زندگی زیبای آخرت، باید ابتدا مصادیق آن در این جهان تجلی یابد دین اسلام قبل از آبادی جهان آخرت، این دنیا را آباد می کند باید پذیرفت که دنیای فقر، ظلمت، زشتی، جهل، ظلم، نابسامانی، ذلت و ناامنی نمی تواند مقدمه آخرتی زیبا، عزت، امنیت و سعادت گردد ثالثاً چنین اندیشه‌ای نیازمند شهرهایی در شأن تمدن اسلامی است، بنابراین توجه به زیباسازی فضاهای شهری و نمای ساختمان های شهری، از اصول ابتدایی هنر اسلامی تلقی می شود و ضروری است شهرهای اسلامی قبل از هر چیز بیانگر اوج تمدن اسلامی باشند.

سرتیپ «کریم آقا بودرجمهری» کفیل شهرداری تهران به روش بارون هوسمان، شهردار پاریس (۱۸۵۳-۱۸۶۹) که تحت حمایت ناپلئون سوم به نوسازی پاریس پرداخت، با قدرت رضا شاهی خیابان های جدید تهران را در بافت قدیم شهرمی گشود هر روز پرچم سرخی بر فراز محله ای به اهتزاز در می آمد و گروه و گروه ساکنان آن به محله های جدید پیرامون شهر رانده می شدند و بدون ارج گذاری به تاریخ، ساختمان های جدید دولتی بر ویرانه های میراث تاریخی دوره قاجار بنا می شد (سعیدنیا، ۱۳۹۸).

مهم ترین تغییرات ساختاری که با هدف ارتقای کیفی فضای شهری انجام می گرفت در دستیابی به اهداف خود تا اندازه ای ناتوان بوده است زیرا علی رغم تلاش برای احیای فرهنگ بومی و هویتی در پنج دهه اخیر، الگوهای شهرسازی و معماری به کار رفته با ارزشهای بومی و ساختارهای کهن شهری ایران همساز نبوده و ریشه در تفکر مدرنیته و یا تأثیر پذیری غیر ارادی از افکار مرتبط با آن داشته است. ترسیم فرایند برنامه ریزی، طراحی، تصمیم گیری و اجرا، در حل مسائل شهری چند دهه اخیر شاهدی بر مدعاست تمایل به نمایشی از «پیشرفت» و «نوگرایی» که با نفوذ و گسترش مدرنیته از زمان قاجار در ایران شروع شد و از دوران پهلوی به بعد در سازوکار و بافت شهر تجلی یافت، بدون آن که جامعه ایرانی به مبانی نظری و فلسفی که در ورای آن نهفته است معتقد و یا حتی از آن آگاه باشد.

طبق مطالعات جغرافیای انسانی، نظریه های جامعه شناسان، عامل اصلی که موجب تمرکز جمعیت کلان شهرها در کشورهای در حال رشد شده سیل و هجوم مهاجرت غیر قانونی و حرکت جمعیت بدون برنامه ریزی به سوی شهرها بوده است. سکونت های غیر رسمی در تمام شهرهای کشورهای در حال رشد، توسعه یافته است مطالعات نظریه دیوید هاروی در کتابش تحت عنوان «عدالت اجتماعی» جالب ترین شعار مکتب بشریت بشمار می آید. می توان آن را برای توسعه حاشیه نشینی کلان شهرها، اعمال کرد.

جغرافیدانان و سیاستمداران بایستی به این بی عدالتی ها، و فقر اجتماعی سراسر جهان، توجه دقیقی داشته باشند. شکاف عمیق بین طبقه مرفه و فقیر کاسته شود. مردم حاشیه نشین شهرها در شرایط بسیار نامطلوب زندگی می کنند که بایستی در حل مشکلات آنان تلاش کرد. مردمی که از حقوق اجتماعی بهره مند نباشند، سیستم های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از هم پاشیده خواهد شد. بنابراین، لازم است که تغییرات بنیادی در سازمان های بین المللی و سازمان ملل متحد بوجود آید و سازمان های دولتی و شهرداری ها خدمات بیشتری را برای حاشیه نشینی کلان شهرها مخصوصاً مشهد مقدس فراهم کنند. در جهت رسیدن به اهداف توسعه پایدار، برنامه ریزی های دقیقی لازم و ضروری است تا فقر و بی عدالتی را از جوامع ریشه کن نمود و از مهاجرت بی رویه روستائیان به شهرها جلوگیری کرد. شهرداری مشهد و سازمان های دیگر همکاری لازم را در جهت بهبود بخشیدن به سکونت های غیر رسمی حاشیه نشینی مشهد از سال ۱۳۷۶ تا همین سال ۱۴۰۱ اقدامات زیادی انجام داده اند. برای انجام این اقدامات، این موسسات و سازمان های شهری سعی نموده اند که بهترین خدمات و سرویس دهی را در جهت رفاه ساکنین حاشیه نشین بکار گیرند. حمایت های مالی، خدمات آموزشی رایگان،





# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

خدمات بهداشتی رایگان به آنان اختصاص داده‌اند- با این وجود، کمک‌های مالی- در میان آنان منصفانه توزیع نشده و روابط معقولی بین شاخص‌های فقر و نیاز وجود ندارد و رسیدن به مدینه فاضله راه طولانی وجود دارد. جمعیت ایران طی چهل سال گذشته سه برابر افزایش یافته، و رشد جمعیت آن در منطقه شهری ۶ برابر و در مناطق روستائی دو برابر شده است. روند مهاجرت به مناطق شهری شدت یافته و موجب شده است که حاشیه نشینی، در کلان شهرها گسترش یابد و رشد جمعیت شهر مقدس مشهد به نقطه انفجار رسیده است.

## راهبردها، رهیافت‌ها و پیشنهادات

ایجاد بسترهای لازم برای تشویق مردم و استفاده مطلوب از مشارکت مردمی در نوسازی شهری، به ویژه در بافت‌های قدیمی بدون مشارکت فعال مردم امکان پذیر نیست، زیرا این اقدامات مستقیماً با زندگی جاری مردم و تعلقات فرهنگی روحی و روانی آنها و در مواردی با تمام سرمایه و زندگی ساکنان در بافت‌های قدیمی سروکار دارد.

در نوسازی شهری با الگوپذیری از معماری ایرانی- اسلامی در، با توجه به مشکلات پیچیده تعلقات، حقوق و مالکیت‌ها و ضرورت دخالت مردم در انتخاب فضای سکونت خود، به مردم نباید فقط به عنوان تأمین کننده زمین یا سرمایه نگریست، بلکه لازم است آنها در تمام مراحل تصمیم‌گیری، سرمایه‌گذاری، مدیریت و بهره‌برداری از فضا به طور مستقیم دخالت داشته باشند تا نسبت به فضایی که می‌خواهند سالها در آن زندگی کنند، احساس تعلق و وابستگی نمایند.

مشارکت ساکنان و شاغلان مناطق قدیمی در احیاء و تأمین مالی برای اجرای بهسازی و نوسازی با الگوپذیری از معماری ایرانی- اسلامی در این مناطق بسیار مهم است. بدین منظور، مشارکت باید به صورت تشکیلات متنوع مردمی در آید و در مقیاس واحدهای همسایگی، محله‌ای و شاخه‌های صنفی و ترکیبات آن تحقق یابد.

مشکلات گوناگون شهری، راه حلی خاص و انفرادی ندارد و همه به هم مربوط می‌شوند. همه گروه‌های اجتماعی باید به گونه‌ای در حل مشکلات شریک شوند و سرمایه‌داران بخش خصوص، سازمان‌های دولتی، سازمان‌های غیر دولتی (N.G.O)، انجمن‌های محلی، مؤسسات مختلط، گروه‌های اجتماعی و افراد باید در راه رفع مشکلات با همدیگر همکاری کنند.

جلب مشارکت مردم، اگر با پیش فرض انجام اموری باشد که مورد نظر طرح بوده و جابجایی مالکیت را به دولت توقع نداشته باشد، با انجام پروژه‌های مقدماتی میسر است، مشروط به این که مردم را در فرایندهای تصمیم‌گیری راجع به بافت شریک کرده و آنها را در منافع طرح دارای سهم اصلی دانستن و همچنین نظرات مشورتی آنها را به کمیسیون‌های تصویب منتقل کرد.

لذا نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، باید عمدتاً توسط مردم انجام شود و دولت می‌باید با طراحی محیط فعالیت و اتخاذ سیاست‌های تشویقی کنترل و مدیریتی زمینه‌های تحقق اهداف خود توسط مردم را فراهم نماید. در شرایطی که دنیا به سمت خصوص سازی و افزایش نقش مردم در تصمیم‌گیری‌ها، در جهت اجرای نوسازی و دگرگونی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره پیش می‌رود و دولت‌ها در حال تبدیل شدت به سازمان دهندگان جامعه به جای صاحبان و اداره کنندگان آن هستند. لذا برای نوسازی شهری با این الگو بدون مشارکت فعال و زنده مردم چه آینده‌ای می‌توان تصور نمود.

ایفای نقش دولت و شهرداری‌ها به صورت فعال و شفاف و تعامل به یکدیگر: دولت و شهرداری‌ها با اتکا به منابع عمومی مالی، ابزار قانونی و امکان قانونگذاری باید با ارائه زیر ساخت‌ها و خدمات شهری در محله‌های فرسوده به نحوی شفاف هر چه عملی‌تر اقدام کنند. احیای بافت‌های فرسوده شهری با الگوپذیری از معماری ایرانی- اسلامی در یک مسأله ملی است و مسأله ملی نیز عزم ملی را می‌طلبد، به دلیل اینکه مقوله مدیریت شهری مطرح است. علاوه بر این در این زمینه دستگاه‌های مسوول متعددی از جمله وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری‌ها، سازمان میراث



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

فرهنگی کشور، دستگاه‌های متولی برنامه ریز و مدیریتی کشور، سیستم بانکی و دستگاه‌های متولی ارائه خدمات شهری نظیر سازمان آب، برق، گاز و تلفن و فاضلاب شهری و نظایر آن وجود دارند که در صورت عدم هماهنگی این سازمان‌ها، احیای بافت‌های فرسوده با الگوپذیری از معماری ایرانی - اسلامی در قابل اجرا نیست.

نوسازی شهری با الگوپذیری از معماری ایرانی - اسلامی در ، غالباً اقدامی گسترده و بزرگ مقیاس است که تحقق آن توسط دولت بدون مشارکت و حضور مردم، نه ضروری است و نه امکان پذیر. بنابر این در بافت‌های فرسوده شهری که ارزش‌های سکونت و فعالیت در آنها در اثر عدم قابلیت انطباق با سرعت تغییر، رو به افول و تنزل است، دولت و نهادهای عمومی مؤثر در عمران شهر، به ویژه در بخش ساختمان، شرایط را به نحوی فراهم نمایند که موجب تغییر رفتار اقتصادی مردم و تحریک آنها به نوسازی گردد.

نوسازی شهری با الگوپذیری از معماری ایرانی - اسلامی در به عنوان یک فعالیت مولد اقتصادی: در طراحی محیط اقتصادی نوسازی، لازم است به فعالیت نوسازی بافت‌های فرسوده شهری با الگوپذیری از معماری ایرانی - اسلامی ، به عنوان یک فعالیت اقتصادی و اقتصادی شدن ساخت و ساز که طبعاً باید دارای درآمد و سود معقول باشد، نگرسته شود و زمینه‌های تأمین بود معقول آن را فراهم نمود. مسوولان شهری چنانچه خواستار مشارکت مردم برای نوسازی بافت‌های فرسوده باشند این مشارکت باید برای مردم با صرفه باشد.

فروش اوراق مشارکت و استفاده از حساب ذخیره ارزی و وام خارجی - فایناس - جهت منابع مالی دولت برای نوسازی با الگوپذیری از معماری ایرانی - اسلامی یکی از مهم‌ترین منابع جهت تأمین منابع مالی دولت برای نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد با الگوپذیری از معماری ایرانی - اسلامی استفاده از منابع حاصل از فروش اوراق مشارکت و یا استفاده از حساب ذخیره ارزی و حتی استفاده از وام خارجی می‌باشد.

اعطای تسهیلات بانکی - وام و تسهیلات تشویقی - به ساکنان بافت جهت نوسازی با الگوپذیری از معماری ایرانی - اسلامی در دولت با در نظر گرفتن سیاست‌های تشویقی برای مالکان بافت‌های فرسوده و وارد عمل کردن سیستم بانکی کشور برای ارائه وام و تسهیلات می‌تواند بخشی از هزینه‌ها را تأمین کند. حضور فعال سیستم بانکی کشور بخاطر ارائه تسهیلات به مالکان بافت‌های فرسوده بسیار تأثیر گذار است

فرهنگ سازی و اطلاع رسانی در این میان نقش اساسی اقدامات فرهنگی و فرهنگ سازی و اطلاع رسانی توسط رسانه‌های گروهی به ویژه صدا و سیما حائز اهمیت است. صدا و سیما با بررسی و پرداختن به مشکلات بافت‌های فرسوده و اطلاع رسانی، می‌تواند مردم را از ناآگاهی برهاند تا حس کنند احیای بافت‌های فرسوده‌شان با الگوپذیری از معماری ایرانی - اسلامی یکی از مسایل مهم و غیر قابل اجتناب آنهاست.

نظارت بر کیفیت تولید و بکارگیری مصالح ساختمانی توسط سازمان‌های دولتی و غیر دولتی بزرگ و کوچک، وظیفه نظارت بر کیفیت مصالح ساختمانی را دارند و باید کیفیت مصالح را قبل از عرضه و استفاده آن در ساختمان‌های به درستی بررسی نمایند. تا در صورت دارا بودن استانداردهای لازم اجازه تولید و بکارگیری در ساختمان‌ها به آنها داده شود.

در جهت بهبود بخشیدن به شرایط اجتماعی و اقتصادی جمعیت حاشیه نشین مشهد، بانک جهانی وام‌های دراز مدت در اختیار آنان قرار دهد و آنان را تشویق به کارهای تولیدی نماید (توانمندسازی) کمک‌های سازمان ملل و سازمان‌های بین الملل و مؤسسات مالی خارجی و داخلی در حل مشکلات فزاینده ساکنین حاشیه نشین، می‌تواند گام‌های مؤثری بردارند. مهارت‌های فنی و تجربی (دانش فنی) مردم مشهد را در مناطق حاشیه نشینی را بکار گرفت.

از تخریب سکونتگاه‌های حاشیه نشینی جلوگیری شود، زیرا این امر موجب آشوب‌های اجتماعی و هرج و مرج مناطق شهری خواهد شد. اراده و خواست مردم منطقه در تصمیم‌گیری‌ها و راه‌حل‌ها، در جهت حل مشکلات مناطق حاشیه نشین مهم است و اکثر مردم در چنین مسائل شرکت نمایند. برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت در جهت جلوگیری از رشد



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

بی‌رویه جمعیتی و ایجاد امکانات شغلی لازم و ضروری است. حاشیه‌نشینی یک مشکل ملی، در کشورهای در حال توسعه است. حل این مشکل، بایستی در سطح منطقه‌ای سپس در سطح کشوری انجام گیرد. برنامه‌ریزی دقیقی در جهت بهبود بخشیدن به وضع حاشیه‌نشینی، از الگوهای کشورهای دیگر استفاده نمایند. در رابطه با نیازهای اولیه حاشیه‌نشینان، سازمان‌های دولتی نظر مطلوب و مساعدی را جهت آنان داشته باشند. با همکاری و همیاری سازمان‌های دولتی و همکاری مردم منطقه حاشیه نشین مسکن آنان مطابق با الگوی معماری ایرانی اسلامی بازسازی و نوسازی گردد.

## منابع و مأخذ

- ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۹۱) مهاجرت روستائیان به شهرها، فصلنامه جغرافیا.
  - افروغ، عماد (۱۳۹۸) بی عدالتی اجتماعی، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
  - آقاجانی، زهرا (۱۳۹۲) مجله هفتگی شهرداری مشهد.
  - اژدری، بهروز (۱۳۸۴) گتوها در کلان شهر مشهد مجله هفتگی شهرداری مشهد.
  - بنی فاطمه، حسین (۱۳۹۸) مدیریت شهری مطلوب کلان شهرها، مجله علوم اجتماعی شماره ۴.
  - بلوچی، عباس (۱۳۹۰) نظارت مالی و عملیات بین المللی بانک جهانی.
  - پاپلی یزدی، محمدی حسین (۱۳۹۱) مشکلات شهرو روستا، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی.
  - زنجانی، حبیب الله (۱۳۹۸) مهاجرت، انتشارات سمت.
  - سرشماری عمومی از مسکن (۱۳۹۰)، گزارش سازمان آمار.
  - شکوئی، حسین (۱۳۹۸) جغرافیای شهری، جهاد دانشگاهی.
  - شمعی، ع و پوراحمد، الف. (۱۳۹۴)، بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا، دانشگاه تهران.
  - طاهر خانی، مهدی (۱۳۲۹۱) تجزیه و تحلیل موثر از مهاجرت روستا به شهر، فصلنامه تحقیقاتی جغرافیا.
  - سلطان زاده، حسین (۱۳۹۸) فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران تهران. معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری
  - حجت، عیسی (۱۳۹۴) هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۱.
  - قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۹۷) آموزش معماری در دوران پیش از مدرن بر مبنای رساله معماری، فصلنامه صفا. دانشگاه شهید بهشتی.
  - میر مقتدائی، مهتا (۱۳۹۳) معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها هنرهای زیبا. شماره ۲۱.
  - نقی زاده، محمد (۱۳۸۹) رابطه هویت سنت معماری ایران با مدرنیسم و نوگرایی. هنرهای زیبا. شماره ۳.
  - ناری قمی، مسعود (۱۳۹۹) مطالعه ای معناشناختی در باب مفهوم درونگرایی در شهر اسلامی، معماری شهرسازی. شماره ۱۸.
  - نوحی، سید حمید (۱۳۹۴) پدیده اعوجاجی در تاریخ معماری معاصر ایران مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. جلد نخست. انتشارات سازمان میراث فرهنگی تهران.
  - طراحی مسکن امروز و اصول معماری خانه های سنتی (۱۳۹۰) فصلنامه آبادی. تهران مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری
  - معماریان، غلامحسین (۱۳۹۶) آشنایی با معماری مسکونی ایرانی، گونه شناسی درونگرا، تهران، انتشارات سروش دانش.
  - مشکینی، یداله (۱۳۹۲) ویژگی شهر مشهد، فرمانداری مشهد.
  - میرفندرسکی، حسین (۱۳۸۹) مدیریت حاشیه‌نشینی، وزارت مسکن و شهرسازی.
- Alen, Dora ,Lasru, World Bank, Management on urban land rebuilding of unstable settlements"۲۰۱۶,
  - Amerd. consulting engineers in housing and urbanizing, historical design on Tous region, culture and heritage organization of Khorasan province". ۲۰۱۳.





# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

- Amollet. migrants in agricultural development, New York university, Washington Square, New York ۲۰۱۶.
- Shakoyei, Hossein. "social geography of urbans , Jahad university ۲۰۱۳
- Taherkhani, Mehdi. Analysis of effective reasons in rural – to – urban migration. Seasonal report on geographic Researches ۲۰۰۱, P. ۶۷, ۸۳-۸۹.
- Taherkhani, Behrouz. Mashhad from tourist's view Astane Ghodse Razavi. ۲۰۱۳. P. ۱۰
- Fellmann, Jerome Landscapes of human activities Mc Graw –HILL Companies ,Boston ۲۰۸
- Getis ,Arthur and Judith , Human geography Mc Grow –Hill, New York ۲۰۱۷.
- Rubenstein. M The cultural landscape, An introduction to human Geography ۶<sup>th</sup> edition, Miami University, P. ۸۰.
- The first National report on Human Development in Islamic Republic of Iran by Management and planning organization by cooperating the U.N O. ۲۰۱۸, P. ۷۰
- Wise, Michael J. An applied Geography in Great Britain problems", ۲۰۱۴, P. ۱۰۷